

گذار تاجران به فعالیت صنعتی در تاریخ معاصر ایران

فریدون شیرین‌گام
محقق تاریخ اقتصادی

چکیده

صنعتی شدن رویای ۲۰۰ ساله ایرانیان برای تغییر ایران ضعیف به یک کشور قدرتمند بوده است. تلاش‌های گوناگون برای وارد کردن ماشین‌آلات، کارشناس، استفاده از طرح‌های اروپائیان، گرفتن وام، اعزام دانشجویان به خارج، تأسیس دانشگاه و نهادهای تمدنی جدید در ایران با هدف بسترسازی فراهم شد. سرازیر شدن درآمدهای نفتی به سرمایه‌گذاری گسترده در زیرساخت‌های عمرانی، صنایع تبدیلی، سبک و سنگین را امکان‌پذیر نمود. سرمایه‌گذاری صنعتی توسط کارخانه‌های دولتی، بخش خصوصی و سرمایه‌گذار خارجی سال‌ها صورت گرفت. با وجود گذشت هشت سال از تأسیس ذوب‌آهن و سایر کارخانه‌های صنایع سنگین، صادرات غیرنفتی ایران به ۶۰۰ میلیون دلار و صادرات نفتی ۱۸ میلیارد دلار در اواسط سال دهه پنجاه می‌رسید؛ به نظر می‌رسد همه سرمایه‌گذاری صنایع سبک و سنگین معطوف به بازار داخل بود. در طی قریب نیم قرن پس از انقلاب و آرمان تأسیس یک دولت قدرتمند صنعتی با درآمدهای ۹۰ تا ۱۲۰ میلیارد دلاری نفت، در بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ صادرات غیرنفتی به ۵۰ میلیارد دلار (حدود امارات و عربستان با جمعیت خیلی کمتر از آن‌ها) در سال ۱۴۰۲ می‌رسد. صادرات پتروشیمی، فولاد، سیمان و غیره ناشی از مزیت انرژی ارزان است که بخش بزرگی از درآمدهای صادرات غیرنفتی ناشی از آن می‌شود. صدها تاجر در این مسیر طولانی به سرمایه‌گذاری صنعتی روی آوردند، فرایندها و برنامه‌ها عموماً به بازار حمایت داخلی و



سیاست جان‌شینی واردات معطوف بود و آنان را در وضعیت جنینی تثبیت نمود. بنگاه‌های ایرانی به علت نظام سیاست‌گذاری جوان‌تداومی در کارشان دیده نمی‌شود و با گذشت ۲۰۰ سال از سرمایه‌گذاری صنعتی، قادر به نوآوری نیستند و در بین ۵۰۰ بنگاه بزرگ جهان جایگاهی ندارند.

کلیات

صنایع جدید در ایران به صورت نظامی شروع شد. ساخت تسلیحات از مسائل مهم تاریخ ۴۰۰ سال اخیر ایران است. شناخت این صنعت، افق‌های روشنی از کامیابی و ناکامی کل فرایند صنعتی در بستر تاریخی به ما می‌دهد. توپ‌ریزی از آمدن رابرت شرلی در ۱۶۰۰ م توسط شاه‌عباس و استفاده از اروپائیان برای ساخت کشتی در دریای خزر و خلیج فارس به کمک نادرشاه در ۱۷۴۰ م موردتوجه قرار گرفت. این فعالیت‌ها به صورت زنجیره زمانی پیوسته نبود. ساخت قورخانه در قاجار (شامل باروت‌سازی و ساخت انواع سلاح) در زمان رضاشاه و محمدرضاشاه پهلوی با استفاده از فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها، روس‌ها، آمریکایی‌ها و غیره ادامه پیدا کرد. انتقال

ماشین‌آلات، جذب کارشناس، تأسیس دانشگاه و تربیت نیروی انسانی صورت گرفت. صنایع نظامی به صورت جزایر مستقل از سایر صنایع عمل می‌کرد، نگرش سیستمی به تولید، آموزش، نوآوری و تجارت، وجود نداشت. حلقه‌های ناپیوسته، به تجربه‌های ناکام، سرمایه‌گذاری منجر شد. اولین صنعت وجه دولتی و نظامی داشت، فقدان پیوند دوسویه با سایر حوزه‌ها، تضعیف کل فرایند صنعتی در سطح ملی را به همراه داشت.

سرمایه‌گذاری دولتی با عباس میرزا، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه و غیره تداوم یافت. شرق‌شناس فرانسوی درباره تمایل محمدشاه از جذب صنعت‌کاران فرانسوی در زمینه سفال‌کاری به بنیاد ناکامی در تاریخ صنعتی ایران اشاره می‌کند. «این اقدامات از روی حسن نیت بودند، اما در برنامه‌ای هماهنگ و ملی با هدفی مشخص در جهت دستیابی به غایتی معلوم و تعریف‌شده جای نمی‌گرفتند. این روحیه، با مرگ بی‌میلی حامی آن، به سرعت از چرخه

در طی قریب نیم قرن پس از انقلاب و آرمان تأسیس یک دولت قدرتمند صنعتی با درآمدهای ۹۰ تا ۱۲۰ میلیارد دلاری نفت، در بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰ صادرات غیرنفتی به ۵۰ میلیارد دلار (حدود امارات و عربستان با جمعیت خیلی کمتر از آن‌ها) در سال ۱۴۰۲ می‌رسد. صادرات پتروشیمی، فولاد، سیمان و غیره ناشی از مزیت انرژی ارزان است که بخش بزرگی از درآمدهای صادرات غیرنفتی ناشی از آن می‌شود.



دولتی تا ۱۴۰۳ به کار خود ادامه می‌دهد. همزمانی فروش بخشی از صنایع و افتتاح دائمی شرکت‌های صنعتی نوظهور توسط دولت‌ها، قصه شگفت‌انگیزی است که بیش از ۱۰۰ سال، تداوم دارد. سرمایه‌گذاران داخلی در انواع صنایع سبک، صنایع تبدیلی و خودروسازی، به صورت مستقل یا همراه سرمایه‌گذاران داخلی یا شرکت‌های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی به سرمایه‌گذاری مشارکتی در دهه چهل و پنجاه شمی اقدام نمودند. تأمین ارزی این حجم صنایع، با محدودیت اقتصاد کشاورزی امکان‌پذیر نبود.

محدودیت اقتصاد کشاورزی در سرمایه‌گذاری

در زمان حکومت پهلوی یعنی ۵۰ سال پیش، روستائینان در ایران حدود ۶۱ درصد جمعیت، ۴۸ درصد شاغلان فعال اقتصادی و ۲۴ درصد تولید ناخالص ملی ایران از بخش کشاورزی را تشکیل می‌دادند.^۳ وضعیت آب‌وهوا، آفات، محدودیت منابع آب، رشد آرام، محدود و بی‌ثبات نقش مهمی در کم و زیاد شدن حجم تجارت تریاک، پنبه، پسته، میوه و غیره و درآمد خارجی ناشی از کشاورزی تاکنون داشته است. بر اساس برآورد در سال ۱۸۲۲ م، صادرات ابریشم دو

بازگشت ثبات، امنیت و افزایش درآمدهای نفتی از ۱۳۰۴، سرمایه‌گذاری صنعتی توسط دولت را در زمان برنامه‌ریزی دولتی توسط شوروی، ترکیه، آلمان و ایتالیا و ... با دولتی شدن تجارت خارجی در سال ۱۳۰۹ مورد توجه جدی پهلوی اول قرار داد. دولت به سرمایه‌گذاری گسترده صنعتی در انواع صنایع اقدام نمود.

احداث کارخانه چای‌سازی، برنج پاک‌کنی، قندسازی، روغن‌کشی، کنسرو ماهی، نساجی، شیشه، چینی و سیمان‌سازی و ساخت مواد نسوز و غیره توسط رضاشاه صورت گرفت، پهلوی دوم در زمینه صنایع سنگین ذوب‌آهن، فولاد، ماشین‌سازی، ساخت تراکتور، آلومینیوم، کاغذسازی و پتروشیمی سرمایه‌گذاری نمود. دهه اول انقلاب با دولتی شدن بسیاری از صنایع بخش خصوصی، ابعاد گسترده‌ای به خود گرفت. محمدرضاشاه در دهه چهل بسیاری از کارخانه‌هایی که پدرش تأسیس کرده بود با هدف تأمین مالی طرح اصلاحات ارضی به بخش خصوصی واگذار کرد. همین روند فروش بخشی از کارخانه‌های دولتی از سال ۱۳۶۸ توسط دولت هاشمی رفسنجانی و بعدها با تأسیس سازمان خصوصی‌سازی ادامه یافت؛ روندی که با فروش املاک

خارج می‌گشتند. با وجود تلاش حاجی آغاسی صدراعظم، سرامیک کاران به ندرت چیزی تولید کردند»^۱.

ایران کشوری کشاورزی بود تا نیمه قرن نوزدهم پیوند اقتصادی گسترده‌ای با جهان خارج نداشت. بهبود کشتی‌های بخاری بر سرعت عبور و مرور دریایی افزود. «ابریشم، تریاک، پنبه، تنباکو، قالی، پشم، پوست و حیوانات، انواع خشکبار، میوه خشک، برنج، گیاهان دارویی، مواد معدنی صادرات ایران را، تشکیل می‌داد»^۲.

دولت و بخشی از مقامات ایران از زمان عباس میرزا به سرمایه‌گذاری صنعتی به صورت روند گند و نامنظم اقدام نمودند. همچنین سرمایه‌گذاران خارجی و دولت‌های انگلیس، روسیه و غیره به سرمایه‌گذاری صنعتی در زمینه قالی، نساجی، نفت، بانک، تلگراف، ساخت راه‌آهن، راه‌ها، کشتیرانی، ماهیگیری و غیره مورد توجه‌شان قرار گرفت. علاوه بر شاهان، دولت‌مردانی مثل صنایع‌الدوله، امین‌الدوله و غیره به سرمایه‌گذاری صنعتی پرداختند. انقلاب مشروطه و بحران پس از آن، تقسیم ایران بین دو قدرت انگلیس و روسیه در ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ م، جنگ جهانی و اشغال ایران و تغییر سلطنت این روند را در طی ۲۰ سال دچار اختلال نمود.

میلیون لیتر بوده که در ۱۸۸۴ م ۶۲ سال بعد به ۱۳۵ هزار لیتر تنزل یافت.^۴ همین وابستگی به عوامل غیرقابل پیش‌بینی، درباره مقدار تولید و صدور در سال‌های مختلف مشاهده می‌شود. سهم بخش کشاورزی و غیرنفتی در تأمین ارز از ۱۵۷ میلیون دلار سال ۱۳۴۵ به ۲۷۸ میلیون دلار در سال ۱۳۴۹ و ۳۴۴ میلیون دلار در سال ۱۳۵۰ افزایش یافت. کشف نفت در سال ۱۹۰۸ م / ۱۲۸۷ ش و درآمد ناشی از آن، نقش مهمی را در تأمین ارز خارجی برنامه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری صنعتی به عهده داشت.

اهمیت نفت و گاز در سرمایه‌گذاری

میانگین درآمد سالیانه صادراتی نفت طی سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۶ حدود ۳۸۴ میلیون دلار بود. شکاف عمیق صادرات دو بخش نفتی و غیرنفتی و اعتیاد به درآمد نفتی برای فهم سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران مهم می‌باشد. درآمد صادرات نفت به ترتیب ۹۸۱ میلیون دلار و یک میلیارد و ۱۳۰ میلیون دلار در سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ (در برابر ۲۱۷ و ۲۴۴ میلیون دلار غیرنفتی) افزایش یافت. عواید نفت از ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۴۲ به ۵۰ درصد با افزایش قیمت نفت در سال ۱۳۵۲ و سرانجام به ۳۴ درصد در سال ۱۳۵۷ به دلیل محدودیت صدور نفت تنزل یافت، درحالی‌که تأمین ارز خارجی ایران بیش از ۸۰ درصد از طریق فروش نفت و گاز از سال‌های ۱۳۵۲ به بعد به دست می‌آمد.^۵ شکاف بین درآمد بخش نفتی و غیرنفتی از اوایل سال‌های ۱۳۴۲ عمیق‌تر شد. به‌گونه‌ای که اوایل سال ۱۳۵۵ بیش از چهار میلیارد دلار ماشین‌آلات صنعتی وارد شد، درحالی‌که صادرات صنعتی به ۲۳۰ میلیون دلار نمی‌رسید.^۶ اعتیاد به منابع نفتی به کل اقتصاد سرایت پیدا کرد؛ تولید صنعتی به دلیل موانع تعرفه‌ای در بازار غیررقابتی داخلی قابلیت بقا داشت و حتی قادر به رقابت در کشورهای خلیج‌فارس نبود.

در چنین بستری که منابع نفتی، تأمین ارز لازم را برای سرمایه‌گذاری صنعتی خصوصاً از سال‌های ۱۳۱۰ به بعد فراهم کرد، گروه‌های مختلف تجاری، فعالان کارگاهی، برخی از دانشگاهیان، عده اندکی از بوروکراسی، زمین‌داران و بخشی از مهاجران خارجی شوروی پس از انقلاب بلشویکی به فعالیت صنعتی اقدام نمودند. مهم‌ترین گروه صنعتی که فعالیتشان از سطح محلی به ملی توسعه یافت و به سرمایه‌گذاری مشترک با خارجی پرداختند، تجار بودند. در این مقاله سرمایه‌گذاران صنعتی با پیشینه دولتی، دانشگاهی، نظامی، زمین‌دار، پیشه‌ور و خارجی مثل ارجمند، آزمایش، خلیلی، فرمانفرنیان، خلیل طالقانی، برادران رستگار و غیره مورد بررسی قرار نمی‌گیرند.

سرمایه‌گذاران صنعتی دوره قاجار

در این دوره آگاهی چندانی از تحولات رنسانس، روشنگری، کشف قاره آمریکا و تحولات بین‌المللی و اثر آن بر ایران وجود نداشت. به همین دلیل، نوسازی با تأخیر و گند در سطح نظامی و دولتی شروع شد. دولتمردانی که از تحولات روسیه، عثمانی و هند آگاه شدند، به اصلاح قوانین در جهت بهبود ساختارهای اجتماعی به صورت پایدار و منظم دست نزدند. کارهای کوتاهمدتی توسط امیرکبیر، میرزا حسین‌خان سپهسالار و غیره صورت گرفت، اما به علت عدم تداوم، اثرات عمیقی در ساخت اقتصادی و اجتماعی پدید نیامد. حضور شرکت‌های خارجی از نیمه دوم قرن نوزدهم در ایران گسترش یافت. تعدادی از تجار در پیوند با همین مؤسسات و پاسخ به تقاضای بازار جهانی برای محصولات اقتصاد کشاورزی به فعالیتشان گسترش دادند. یکی از این تجار امین‌الضرب است که بعدها وارد فعالیت صنعتی شد. تجار ایرانی مسلمان، ارمنی، زرتشتی و یهودی به دلیل کوچک بودن بازار در زمینه‌های گوناگون فعالیت می‌کردند. پیوندشان با شرکت‌های خارجی، آن‌ها را

همزمان به صادر و واردکننده تبدیل نمود. آن‌ها در یک فرایند طولانی از طریق فعالیت خانوادگی، دانش و سرمایه لازم برای ورود به فعالیت صنعتی را به دست آوردند. حاج محمدامین‌الضرب در کارخانه ابریشم، بلور، راه‌آهن، صنایع‌الدوله در نساجی، امین‌الدوله کارخانه قند، حاج محمد معین‌التجار پوشه‌ری در استخراج مواد معدنی نساجی، محمود خان ناصرالملک در نساجی، قاسم خان امیر تومار در تبریز، ربیع زاده، ارباب جمشید و ارباب کیخسرو در زمینه تجارت انواع کالا، تأسیس دباغ‌خانه و کارخانه برق، خاندان تومانیان در زمینه صراف‌ی و تجارت همچنین چندین شرکت مثل شرکت اتحادیه در تبریز به کمک مهدی کوزه‌کنانی، کمپانی فارس توسط عبدالرحیم شیرازی، شرکت مسعودیه متعلق به کازرونی و شرکا در اصفهان در زمینه تولید نساجی و غیره سرمایه‌گذاری صنعتی نمودند.^۷

تجار صنعتگر دوره پهلوی اول

در این دوره تعداد کارخانه‌های صنعتی ایران به بیش از ۱۴۰ واحد می‌رسید. بخش بزرگی از این کارخانه‌ها در زمینه تولید برق، یخ، تولید آرد، صابون‌سازی، دباغی، پنبه‌پاک‌کنی و شمشیری، بافندگی و غیره می‌باشد. اکثر این واحدهای کوچک، مربوط به فرآوری محصول کشاورزی و به صورت فصلی فعالیت داشته و برای بازار داخل تولید می‌کردند. تعدادی از این فعالان صنعتی که بعدها فعالیتشان گسترده شد در شهرهای مختلف فعالیت می‌کردند. حسن تفضلی، کازرونی، حسن خسروشاهی، هراتی و هرنیدی در نساجی، داروگر در صابون‌سازی، محمدرحیم خوبی در کبریت‌سازی، مشکات جواربچی در کشفافی، یوسف قزوینی در نخ تابی، جبرئیل ساهاکیان کارخانه روغن بادام، اخوان‌گرچی در کشفافی و بعدها در بیسکویت و غیره از فعالان تجاری هستند که در دوره رضاشاه به تأسیس کارخانه پرداختند؛ گرچه بخش بزرگی از آن‌ها در دوره پهلوی دوم به فعالیت خود ادامه دادند.^۸

از کشور توسعه داد. در همین سال‌ها نمایندگانی در تبریز، یزد، اصفهان، رشت و غیره داشت. با هدف گسترش فعالیت تجاری، یکی از برادران را به استامبول و دیگری را به اروپا فرستاد. دولت بخشی از نیازهای تجاری، نظامی و مالی خود را از اروپا و در ایران توسط دفاتر و نمایندگی‌های او انجام می‌داد. صادرات تریاک به هنگ کنگ و افزایش قیمت آن، سهم مهمی در انباشت سرمایه‌اش داشت، سفرش به اروپا او را از تحولات غرب آگاه نمود. «در فرنگستان همه مشغول کار هستند و کارخانجات بسیارند و از ششصد ذرع زغال بیرون می‌آورند، مردم ایران تمام بیکار مانده و همدیگر را می‌پایند»^{۱۰}. امین‌الضرب در اواخر قرن نوزدهم به فعالیت صنعتی توجه نمود درحالی‌که ایران از زیرساخت‌های مناسب مثل جاده، پست، بانک ملی، دانشگاه و نیروی انسانی ماهر برخوردار نبود. دستور واردکردن ماشینی برای پنبه پاک‌کنی، دو ماشین بخار و پمپی که با ماشین بخار کار می‌کند را به برادرش در مارس داد. «با ورود یک ماشین شخم‌زنی جان ۱۰ هزار حیوان حفظ می‌شود و با یک پمپ از ۳۵ زرع چاه، آب به سهولت بالا آورده می‌شود.» در محمودآباد مازندران طرح راه‌آهن را شروع نمود. در سال ۱۲۶۳ شمسی، کارخانه ابریشم‌بافی در رشت و بلورسازی را تأسیس کرد. امین‌الضرب همچنین مدتی مسئولیت ضرب سکه را به عهده داشت. او در تشکیل مجلس وکلای تجار در سال ۱۲۶۳ ش مشارکت برجسته داشت. بخشی از فعالیت‌های صنعتی امین‌الضرب مثل راه‌آهن با ناکامی مواجه شد. کارخانه ابریشم‌بافی به فعالیتش پس از فوتش نیز به کار ادامه داد. در آغاز پادشاهی مظفرالدین شاه مدتی زندانی شد و در ۱۲۷۷ ش درگذشت. تداوم فعالیت صنعتی او با آوردن کارخانه برق تهران توسط پسرش حاج محمدحسین ادامه یافت.^{۱۱}

حاج محمد معین‌التجار بوشهری: ۱۳۱۲-۱۲۳۸ ش

از تجاری بود که اولین فعالیت‌هایش را در بوشهر، خوزستان و جزایر جنوب ایران آغاز نمود. میراثی که از طریق یکی از خویشاوندانش به او رسید به‌کارگیری این دارایی در تجارت،

تولید روغن، شوینده، دام طیور و غیره، عبدالله مقدم نساجی، محمد طاهری در نساجی، علی خسروشاهی شرکت مینو، لوازم‌آرایی و شوینده و غیره، این‌ها بخشی از فعالان تجاری ایران بودند^{۱۲} که به سرمایه‌گذاری صنعتی روی آوردند. شناخت نحوه فعالیت و گسترش کسب‌وکار آن‌ها نیاز به مطالعه جزئی‌تر دارد که به دو نمونه در عصر قاجار به طور مختصر اشاره می‌شود.

حاج محمد امین‌الضرب: ۱۲۷۷-۱۲۱۴ ش

امین‌الضرب در خانواده‌ای بازرگان در اصفهان به دنیا آمد. آموزش او در حد مکتب‌خانه به خواندن، نوشتن و خوشنویسی محدود بود. در مغازه پدر و پدربزرگش در صرافی و زرگری اولین تجربه‌ها را فراگرفت. درحالی‌که ۱۰ ساله بود، پدرش آن‌ها را در اصفهان گذاشت و خود به کرمان رفت. این سفر بیش از ۸ سال طول کشید. برای آگاهی از پدر، درحالی‌که جوانی ۱۸ ساله بود به کرمان فرستاده شد و مسیر ۶۵۰ کیلومتری در زمانه فقدان جاده مناسب و امنیت به جستجوی پدر رفت. وقتی به کرمان رسید او فوت کرده بود. پس از تصفیه بدهی پدر به اصفهان بازگشت و درحالی‌که بیش از ۲۰ سال نداشت برای کار و تجارت به تهران آمد. آشنایی و نسبت او با صرافان اصفهانی مقیم تهران به او کمک کرد. از فروش هیچ کالایی روی‌گردان نبود، در عرض هشت ماه حدود ۱۳۰۰ تومان درآمد خالص داشت. آشنایی و همکاری با پانایوتی از نمایندگان شرکت رالی که در چند کشور اروپایی نمایندگی داشتند و استفاده از اعتبار آن شرکت، به فعالیت تجاری او به خارج



● حاج محمد امین‌الضرب

دوره پهلوی دوم

علاوه بر فعالان صنعتی سابق که به فعالیت صنعتی خود در دوره پهلوی دوم ادامه دادند یا بر اثر فوت بنیان‌گذار به فرزند و خانواده واگذار یا فروخته شد، بخشی از فعالان تجاری پس از سال‌ها فعالیت در دوره پهلوی دوم به سرمایه‌گذاری صنعتی روی آوردند. محمود لاجوردی و لاجوردیان و خانواده در نساجی، روغن نباتی، شوینده، بانک و بیمه، محمدرحیم ابروانی در صنعت کفش و حلقه‌های گوناگون مرتبط با آن، بانک، فروشگاه‌های زنجیره‌ای کفش ملی و انواع چرم، مصطفی حسین زاده صنعت کفش و فروشگاه زنجیره‌ای، خانواده القانین در صنایع گوناگون، برادران خیامی در خودروسازی و تأسیس فروشگاه کوروش، برادران رضایی در معدن و فولاد، جعفر اخوان در صنایع خودرویی، محمدتقی برخوردار، تولید تلویزیون، رادیو، یخچال، لوازم‌خانگی، لامپ، محسن آزمایش تولید یخچال و تلویزیون و غیره، برادران عمید حضور در حوزه‌های گوناگون مربوط به صنعت کفش، چرم و فروشگاه زنجیره‌ای، خانواده سادات تهرانی در زمینه تولید جوارب، نساجی و غیره، خانواده ثابت در نوشابه، چوب، خانواده حسن خسروشاهی و فرزندان در نساجی، شوینده، تولید دارویی، بانک و بیمه، محمد فاتح یزدی و احمد غضنفر در صنعت روغن، نساجی و غیره، حسین قاسمیه و امیر صالح در صنعت

احداث کارخانه چای‌سازی، برنج پاک‌کنی، قندسازی، روغن‌کشی، کنسرو ماهی، نساجی، شیشه، چینی و سیمان‌سازی و ساخت مواد نسوز و غیره توسط رضاشاه صورت گرفت، پهلوی دوم در زمینه صنایع سنگین ذوب‌آهن، فولاد، ماشین‌سازی، ساخت تراکتور، آلومینیوم، کاغذسازی و پتروشیمی سرمایه‌گذاری نمود.

تربیت نیروی انسانی و غیره به محض بزرگ شدن، در بستر بی‌ثبات اقتصاد سیاسی، تورم دو رقمی، روابط بین‌المللی بی‌ثبات، به قربانگاه برده می‌شود؛ اگر تغییری در روند سیاست‌گذاری صورت نگیرد، برای فعالیت صنعتی چشم‌انداز روشنی وجود ندارد. ♦♦

منابع:

۱. ویلم فلور «صنایع کهن در دوره قاجار» علیرضا بهارلو، پیکره، ۱۳۹۳، ص ۹۱.
۲. سید محمدعلی جمال‌زاده «گنج شایگان اوضاع اقتصادی ایران» چاپ اول ۱۳۳۵ ه ش، موقوفه افشار، ۱۳۷۶ ص ۱۶-۳۷. صادرات انواع دام زنده در سال ۱۲۸۸ به مقدار ۷۴۱ هزار تومان در همین سال صادرات توتون و تنباکو حدود ۲۸۸ هزار تومان بود. در طی ۴ سال پس از مشروطه، ارزش صادرات دام زنده ۲ تا ۳ برابر توتون و تنباکو بوده است. صادرات قالی در همین سال‌ها از ۰۰۰ تا ۲/۹۰۰/۰۰۰ تا ۴/۵۰۰/۰۰۰ تومان همان.
۳. کشاورزی و استخراج معادن با ۴۶/۶٪ و سهم صنعت و ساختمان ۲۵/۹٪ خدمات در همین سال ۲۵/۹٪ از تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌داد. منوچهر فرهنگ «زندگی اقتصادی ایران» دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۳۵۲، ص ۳۹ و ۲۰.
۴. قاسم انصاری رنای و قنبر علی کرمانی «تجارت در دوره قاجار» دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۰ ص ۳۴۰.
۵. فرهنگ، پیشین، ص ۲۲۰.
۶. محمدعلی همایون کاتوزیان «اقتصاد سیاسی ایران» محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، مرکز، ۱۳۷۳، ص ۳۰۲-۲۵۲.
۷. جمال‌زاده، پیشین، ص ۱۰۰-۹۳.
۸. بایزید مردوخ «اقتصاد بخش خصوصی و صنعت» انجمن مدیران صنایع، ۱۳۸۵ ص ۲۱۱-۱۹۹.
۹. کتاب‌های علی‌اصغر سعیدی - فریدون شیرین‌کام موقعیت تجار و صاحبان صنایع ایران کارنامه لاجوردی، برخوردار و ایروانی در سه جلد، گام نو، ۱۳۸۸-۱۳۸۴؛ و موقعیت صاحبان صنایع ایران کارنامه حسن تفضلی، گام نو ۱۳۹۲ و «سرگذشت پنجاه کنشگر اقتصادی ایران» فرهنگ صبا، ۱۳۹۳ به خوانندگان در فهم کنشگران صنعتی کمک می‌کند.
۱۰. شیرین مهدوی «زندگی‌نامه حاج محمدحسن امین کمپانی امین ادارالضرب» منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی، تاریخ ایران، ۱۳۷۵ ص ۱۰۸-۱۵۰.



• معین‌التجار بوشهری در کنار امین‌الضرب •

تأمین منابع ارزی لازم برای نیازهای پرشتاب صنعتی شدن نبود. افزایش درآمدهای نفتی به دولت‌ها کمک کرد تا دسترسی به وام صنعتی با نرخ پایین‌تر از نرخ بازار را فراهم کنند. در طی این ۲۰۰ سال بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری صنعتی از سوی دولت و تجار و غیره صورت گرفت. به تعبیر علی‌امینی نخست‌وزیر (۱۳۴۰ شمسی در ۶۳ سال پیش) ایران به دلیل نداشتن کارشناس کافی و عدم استفاده بهینه از ماشین‌آلات به گورستان صنایع تبدیل شده است. نگاهی به کاهش فعالیت واحد تولیدی کارخانه‌ها با ظرفیت نیمه‌تمام و مشخص نبودن وضعیت تولید بنگاه‌ها در شهرک‌های صنعتی به علت کمبود برق در تابستان و کاهش سوخت در زمستان و محدودیت صادرات به دلیل ناتوانی در پاسخگویی به بازار داخلی و غیره بیانگر محدودیت صنعتی شدن با وجود تلاش‌های صورت گرفته پس از ۶۳ سال می‌باشد. ایران امروز در تولید و تکنولوژی محصول، برند و بنگاه برجسته‌ای در سطح بین‌المللی ندارد. صدها تجاری که به فعالیت صنعتی روی آوردند به دلیل بی‌ثباتی روانه غرب شدند و فعالیتشان تداوم نیافت. وضعیت بنگاه صنعتی، کارآفرین،

انباشت سرمایه لازم برای توسعه را در کسب‌وکارش فراهم نمود و کارخانه چوب‌بری طبری برای تهیه ساخت راه‌آهن شمال را تأسیس نمود. این موسسه هزار کارگر داشت. بهره‌برداری از معادن خاک سرخ، فروش کک جزیره هرمز، از فعالیت‌های دیگر او در زمینه معدنی بود. معین‌التجار با شرکت منجستر در استخراج گوگرد قراردادی بست، غرق شدن ماشین‌آلات هنگام انتقال، موجب تنازع بین طرفین و عدم موفقیت آن گردید. معین‌التجار در هنگام کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و دوره پهلوی اول مخفی و مدتی زندانی و سرانجام در سال ۱۳۱۲ درگذشت.^{۱۳}

نتیجه‌گیری

ایرانیان در آغاز برای توانمند شدن به صنایع نظامی روی آوردند. این روند بیش از دو قرن به دراز کشید. توجه به دانش جدید، کارشناسان ماهر خارجی، اعزام دانشجو و ورود ماشین‌آلات به صورت کند در همه دولت‌ها و غیره تداوم یافت. فرایند صنعتی شدن توسط همه حاکمان با گرایش‌های ایدئولوژیک متعارض با شدت تمام‌تری دنبال شد. اقتصاد کشاورزی و وام خارجی قادر به